ابن شنبوذ؛ قرائت برسنّت، ابن مقْسم؛ قرائت برنهج عربی

این یک نکته؛ دنبالهٔ آن مسأله،یک شخص دیگری مثل ابن شنبوذ را در تاریخ تادیب کردهاند. قضایای تاریخی خیلی مهم است. در بغداد ابن شنبوذ را زدند، چوب هم خورد، او هم نفرینی کرد و ... . او میگفت چه کسی گفته وقتی از اساتیدمان سند داریم، حتماً باید قرائتمان موافق مصحف عثمان باشد؟! دیدن این بدجوری است. خودش سنی مهمی هم بود. آن چوب را آوردند و فلکش کردند.

مفصل عرض کردم. او هم نفرینی کرد. ابن ندیم میگوید: «هذا من عجيب الاتفاق»[1]، اما ذهبی میگوید: «وقد استجيب دعاؤه على الوزير»[2]، یعنی ذهبی میداند که او سنی است. میگوید خدا دعای او را علیه ابن مقله مستجاب کرد و دو دستان او قطع شد. وقتی او را میزدند میگفت ای ابن مقله خدا دستان تو را قطع کند. هر دو دست ابن مقله قطع شد. ذهبی میگوید این دعای او بود. میگوید او قاری قرآن بود، محترم بود، چرا او را زدید؟! خیلی جالب است. ابن ندیم در الفهرست میگوید دعا کرد و «فيه حمق»[3]. بعد هم میگوید از عجیب اتفاق این است که دست او قطع شد. نمیگوید دعای او بود که مستجاب بود. این ابن شنبوذ است که شرح حالش واقعاً مهم است.

یکی دیگر ابن المقْسم است. ابن مقسم را باره گفتهام که تا نزدیک چوب رفت. ولی خُب زرنگ بود، حرفش هم حرف چرتی بود، همان جا پای چوب توبه کرد و دیگر چوب نخورد. ابن مقسم میگفت وقتی کسی قاری است، عالم و آگاه به نحو است، دیگر به سند چه کار دارد؟! وقتی میبینی یک قرائتی درست است آن را میخواند. این حرف ابن مقسم است. میگفت قرائت بر نهج عربی. خودش از مقرین بزرگ است. نه اینکه سند را قبول نداشته باشد. تواتر را قبول دارد. گویا شبیه این چیزی که میخواستم بگویم را میگفت؛ او میگفت خیلی جاها تجویز بود. یعنی به این صورت میتوانید بخوانید. نه یعنی غیر ازآن را نمیتوانید بخوانید؛ سهّل الله علی القارئ، به اینکه وقتی کتاب او را میخوانند اگر یک جایی حضرت امالهٔ نکردهاند یا برای ما نقل نشده، مثل ابوعلی فارسی نگوید «لایجوز لکم الامالة». حضرت امالهٔ نکردهاند، نه اینکه حرام باشد. «القارئ سنة» یعنی ما نتوانیم امالهٔ کنیم. در نهج عربی و همهٔ عرب «مالک» را در اینجا امالهٔ میکنند، ما هم میکنیم. این یک مثالش است. شما از کجا میگویید «القارئ سنة»، و وقتی ما به امالهٔ «مالک» سند ندارید، پس حرام است و نماز باطل است؟!

شاگرد: ریختش توقیفی است. برفرض هم مواردی باشد با توجه به بدنهای که بوده و چقدر دقت میکردند و ...، اگر چنین چیزهایی باشد خلاف قاعده میشود.

استاد: لذا عرض کردم اصل بر حرمت است. ولی در فقه القرائه این سؤال مطرح است که شما می‌گویید... .

شاگرد۲: اختیار القرائه با این توسعه پیدا می‌کند؟

استاد: بله، بحث‌های خوبی در اینجا می‌آید. شما می‌گویید «القرائة سنة» ولی این سؤال در آن جا هست یا نه؟! «القرائة فی کل موارده سنة واجبة عزیمیة»؟! یا نه، «سنة واجبة عزیمیة، سنة واجبة رخصیة، سنة غیر واجبه و ندبیة».

شاگرد: مواردیکه «سنة واجبه و مستحبه» را می‌گویند، در جایی است که اصل استنادش ثابت است، بعد می‌گویند سنت واجب یا مستحب است. در اینجا موردی است که اصلاً ثابت نشده و ما صرفاً می‌خواهیم به نهج عربی بخوانیم و اسمش را سنت مستحب بگذاریم.

استاد: ابوعلی فارسی نهج عربی را گفت. عرب املاه مالک را انجام می‌دهد، حتی در محاوراتشان انجام می‌دهند. حال یک عرب دارد الآن سوره حمد را می‌خواند می‌تواند «مالک» را املاه کند یا نه؟! آنهایی که در فضای قرائات هستند، می‌گویند نمی‌تواند. ما سند نداریم. البته این را هم عرض کنم جالب است. محقق کتاب ابوعلی فارسی هم آورده است؛ ابوحیان کتابی در تفسیر دارد به نام «البحر المحیط». ظاهراً در قرن هشتم بوده. ابوحیان همانی است که در مغنی زیاد ذکر او بود. ایشان می‌گوید ابوعلی فارسی نقل‌های دیگر را ندیده بود، اگر همه سندها را دیده بود، اینطور نمی گفت. می‌گوید من سندها را دارم. ابوحیان واقعاً در قرائات وسیع الاسناد است. یعنی خیلی از قرائات را با سند، از مشایخ خودش دارد. می‌گوید در کلاسهای قرائت املاه هم از مقری و مشایخ قرائت نقل شده است. محقق کتاب جواب خوبی به ابوحیان می‌دهد؛ می‌گوید ابوعلی فارسی نگفت که نداریم. بلکه گفت کتاب ما الحجه علی القرائات السبع است. این هفت را متواتر می‌دانیم. من هم دارم برای این هفت تا ارائه می‌دهم. در فضای قرائات سبعی که متواتر است، سندهای شما نیست. این جواب خوبی است. یعنی ابوعلی فارسی در فضای قرائات سبع، آن هم سبع صغری که هنوز نیامده بود... . سبع صغری را دانی در تیسیر آورد. ابن مجاهد سبع صغری را نیاورده بود، بلکه سندهای دیگری هم داشت. و لذا زمانیکه ابوعلی فارسی کتاب را نوشت، خودش هم با ابن خالویه از طبقات شاگردان ابن مجاهد بود، هنوز سبع صغری نیامده بود. بعداً دانی در تیسیر و بعد در شاطبیه آمده.

لذا محقق کتاب می‌گوید اینکه ابوعلی می‌گوید املاه نقل نشده، نکنید، یعنی در وقتی که می‌خواهید در محدوده قرائات سبع بمانید نقل املاه نشده. شما داری از یک قاری غیر از قراء سبعه نقل می‌کنید. علی ای حال فضا این قدر دقیق است.

---

[1] الفهرست ،ص ۵۰

[2] معرفة القراء الكبار علی الطبقات والأعصار،ص ۱۵۶

[3] الفهرست، ص۵۰

بازبینی #2
ایجاد شده 22 آوریل 2026 12:23:08 توسط ... .
به روزرسانی شده 22 آوریل 2026 12:26:25 توسط ... .